# دیدار با اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی - 29 /دی/ 1388

بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیم
خیلی خوشحالیم از اینکه بعد از مدتهای طولانی، این توفیق دست داد که با شما برادران و خواهران عزیز - که یکی از مؤثرترین کارها را در حرکت نظام جمهوری اسلامی بر عهده گرفته‌اید - ملاقات کنیم و به شما خسته نباشید عرض کنیم.

«شورای هماهنگی تبلیغات» یکی از کهن‌ترین و پرسابقه‌ترین نهادهای نظام جمهوری اسلامی است. این اهمیت دارد که یك دستگاهی بر اساس یك نیاز واقعی و صادقانه در کشور به وجود بیاید و در طول سالیان متمادی، با تحولات گوناگون، آن نیاز را همواره مورد نظر داشته باشد و حق عمل و اقدام را به جا بیاورد. شورای هماهنگی تبلیغات، از این قبیل مجموعه‌هاست. همان طور که حضرت آقای جنتی ( دامت برکاته) فرمودند و اشراف خود ایشان هم یقیناً در این جهت تأثیر بسیار فراوانی داشته است، این مجموعه در طول این سالها همچنان در خط درست و در صراط مستقیمی حرکت کرده، لحظه‌ها را شناخته و کار مناسبِ آن لحظه را انجام داده. مشکل برخی از افراد و مجموعه‌ها این است: بی‌ایمان نیستند، بی‌شوق و بی‌محبت هم نیستند ؛ اما لحظه‌شناس نیستند.

لحظه را باید شناخت، نیاز را باید دانست. فرض بفرمائید کسانی در کوفه دلهاشان پر از ایمان به امام حسین بود، به اهل‌بیت محبت هم داشتند، اما چند ماه دیرتر وارد میدان شدند ؛ همه‌شان هم به شهادت رسیدند، پیش خدا هم مأجورند ؛ اما کاری که باید بکنند، آن کاری نبود که آنها کردند ؛ لحظه را نشناختند ؛ عاشورا را نشناختند ؛ در زمان، آن کار را انجام ندادند. اگر کاری که توابین در مدتی بعد از عاشورا انجام دادند، در هنگام ورود جناب مسلم به کوفه انجام میدادند، اوضاع عوض میشد ؛ ممکن بود حوادث، جور دیگری حرکت بکند. شناسائی لحظه‌ها و انجام کار در لحظه‌ی نیاز، خیلی چیز مهمی است.

شورای شما بحمدالله این خصوصیت را داشته است. دلائل زیادی هم برای این هست ؛ آخری‌اش همین نهم دی است ؛ قبلش - ده سال قبل از این - 23 تیر است که اشاره فرمودند ؛ آن روز هم نیاز لحظه‌ها بود ؛ این یك کار متعارف و معمولی نبود. راهپیمائی مردم در بیست و دوی بهمن با همه‌ی عظمتی که دارد - که حالا عرض خواهم کرد - یك کار متعارف است، یك کار روان‌شده است، شناخته‌شده است، متوقع است که انجام بگیرد و انجام میگیرد ؛ اما بیست و سه‌ی تیر در سال 78، یك کار متعارف نبود، یك کار متوقع نبود ؛ اهمیت داشت که این مجموعه بداند و بفهمد که این کار در آن شرائط، لازم است و آن را انجام بدهد. کار نهم دی ماهِ امسال هم همین جور بود. شناختن موقعیت، فهمیدن نیاز، حضور در لحظه‌ی مناسب و مورد نیاز ؛ این اساس کار است که مؤمن باید این را هم با خود همراه داشته باشد تا بتواند وجودش مؤثر بشود ؛ آن کاری را که باید انجام بدهد، بتواند انجام بدهد. خوب، الحمدالله شورای هماهنگی تبلیغات این خصوصیت را داشته است، نشان داده است ؛ هم در دهه‌ی اول، در اوضاع و احوال گوناگون آن دهه - در دوران دفاع مقدس، قبل از دفاع مقدس، بعد از دوران دفاع مقدس - هم بعد از رحلت امام در مناسبتهای مختلف که قله‌هائی را در تاریخ ما به وجود آورد. یکی از این قله‌های فراموش نشدنی، همین نهم دی امسال بود.

دو تا مطلب را من لازم است عرض بکنم: یکی راجع به بیست و دوم بهمن است ؛ دهه‌ی فجر است. دهه‌ی فجر مثل خیلی از چیزهای انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی، یك پدیده‌ی منحصربه‌فرد است در تاریخ شناخته شده‌ی ما. این، شعار نیست ؛ این درست عین واقعیت است، با مطالعه و با تدبر. چرا منحصربه‌فرد است؟ همه‌ی انقلابهای

دنیا، از وقتی که جریان انقلابها و حضورهای مردمی در تاریخ ثبت شده است، سالگردهائی داشتند و دارند. اینی که این سالگردها به وسیله‌ی همان عامل و عنصری تجلیل بشود و به یاد مانده بشود که اصل آن حادثه را به وجود آورد، این در تاریخ نظیر ندارد. ببینید انقلابهائی که از آنها چندین سال اثری باقی بود و تحولاتی که یاد آنها در ذهنیت جامعه‌شان باقی ماند - حالا بعضی از انقلابها و تحولات اجتماعی بعد از مدتی بکل از بین رفت و یاد آنها هم فراموش شد - مثلاً فرض بفرمائید انقلاب اکتبر شوروی که ده‌ها سال وجود داشت، یا یك خرده ضعیف‌تر از آن، انقلاب کبیر فرانسه و همچنین بقیه‌ی این تحولاتی که یا به وسیله‌ی انقلابهای مردمی یا شبه انقلابهای مردمی به وجود آمد، در سالگرد آنها - لااقل در سال سوم و چهارم - دیگر خبری از متن مردم نیست، مردم حضور ندارند ؛ سالگرد انقلاب را به صورت یك حرکت تشریفاتی انجام میدهند ؛ یك عده‌ای از مسئولین می‌آیند، می‌ایستند ؛ احیاناً رژه‌ی نیروهای مسلح و یك تعدادی هم تماشاچی.

سی سال از انقلاب ما میگذرد. هر سال آن کسانی که سالگرد انقلاب را مجسم کردند، برجسته کردند، جشن گرفتند، آحاد مردم بودند. میلیونها مردم هر سال 22 بهمن در سرتاسر کشور به خیابانها می‌آیند ؛ آنها اعلام میکنند عید انقلاب را، سالروز انقلاب را، یادبود انقلاب را. این معنایش چیست؟ این معنایش این است که انقلاب، قائم به ایمانهای آحاد مردم است ؛ مخالفین با انقلاب، مخالفین با نظامِ برآمده‌ی از انقلاب، با مردم روبه‌رو هستند، با مردم طرفند. سرّ اینکه آنها موفق هم نمیشوند، همین است ؛ والا هیچ نظام سیاسی‌ای نیست که نشود آن را با روشهای سیاسی یا امنیتی متزلزل کرد ؛ یك قوی‌تری می‌آید، آن را متزلزل میکند. اما نظامی که متکی به مردم است، مخالفینش هرچه از لحاظ امنیتی و نظامی و ثروت و اقتصاد و اینها قوی‌تر هم باشند، نمیتوانند این نظام را متزلزل کنند ؛ سرّش هم این است که این نظام متکی به مردم است، متکی به ایمانهاست، متکی به همان عاملی است که اصل این نظام را به وجود آورده است ؛ این خیلی چیز مهمی است.

سعی میکنند - کمااینکه امسال در تجربه‌های گوناگون دیده شد - هر مراسمی که متکی به انبوه حضور مردمی است، اگر بتوانند، این را به نحوی خراب کنند. روز قدس که برای ضدیت با اسرائیل است، شما می‌بینید یك گروه معدودی، یك گروه فریب‌خورده‌ای پیدا میشوند، علیه مسئله‌ی فلسطین و به نفع اسرائیل شعار میدهند ؛ روز سیزده آبان که روز معارضه‌ی ملت ایران و برائت و نفرت ملت ایران از استکبار آمریکائی است، می‌آیند علیه این حرکت، علیه نظام جمهوری اسلامی، علیه اسلامیت شعار میدهند! این معنایش چیست؟ این معنایش این است که دشمن نظام جمهوری اسلامی از این حضور خالصِ پرانگیزه‌ی مردمی وحشت دارد ؛ این حضوری که مشتمل است بر تمام گرایشهای موجود در میان مردم، سلائق سیاسی گوناگون. ملت ایران متحدند، ملت ایران جهتگیری‌شان روشن است ؛ میخواهند این جهتگیری متحد را، این حرکت منسجم را در تبلیغاتِ خودشان متفرق نشان بدهند ؛ ملت ایران را گروه گروه شده و دسته دسته شده و در مقابل هم در مسائل اصولی و اساسی معرفی کنند. هدف، این است ؛ با این باید مقابله کرد.

جمهوری اسلامی با خواست مردم و ایمان مردم بر سر کار آمد ؛ با این خواست و همین ایمان تا امروز با کمال اقتدار و احساس عزت و احساس بی‌نیازی پیش رفته است ؛ و بعد از این هم ان‌شاءالله با اقتدار کامل، با عزت کامل، بر همه‌ی دشمنانش پیروز خواهد شد.

پس مطلب اول به طور خلاصه این است که بیست و دوی بهمن متعلق به ملت ایران است، متعلق به امام بزرگوار است، متعلق به شهداست، متعلق به آن روح و معنای حقیقی انقلاب اسلامی است، مال ملت است ؛ دشمن میخواهد این ثروت عظیم و ذخیره‌ی عظیم ملی را متزلزل کند، ضعیف کند. شما با تمام قوا ان‌شاءالله باید در صحنه باشید و عاقلانه و مدبرانه حرکت کنید. ملت هم - بدانید - دلبند و دلبسته‌ی به همین شعارهای اساسی انقلاب است. امروز

در دنیا عزت ملت ایران، عظمت ملت ایران - که دشمن هم به آن اقرار میکند - به برکت همین انقلاب و این حضور مردمی است ؛ و ملت ایران این را از دست نخواهند داد.

نکته‌ی دوم - که من مکرر در ماه‌های گذشته عرض کرده‌ام - این است که دشمنان ملت از شفاف بودن فضا ناراحتند ؛ فضای شفاف را برنمیتابند ؛ فضای غبارآلود را میخواهند. در فضای غبارآلود است که میتوانند به مقاصد خودشان نزدیك شوند و به حرکت ملت ایران ضربه بزنند. فضای غبارآلود، همان فتنه است. فتنه معنایش این است که یك عده‌ای بیایند با ظاهر دوست و باطنِ دشمن وارد میدان شوند، فضا را غبارآلود کنند ؛ در این فضای غبارآلود، دشمنِ صریح بتواند چهره‌ی خودش را پنهان کند، وارد میدان شود و ضربه بزند. اینی که امیرالمؤمنین فرمود: «انّما بدء وقوع الفتن اهواء تتّبع و احکام تبتدع»، تا آنجائی که میفرماید: «فلو انّ الباطل خلص من مزاج الحقّ لم‌یخف علی المرتادین» ؛ اگر باطل، عریان و خالص بیاید، کسانی که دنبال شناختن حق هستند، امر برایشان مشتبه نمیشود ؛ میفهمند این باطل است. «و لو انّ الحقّ خلص من مزج الباطل انقطع عنه السن المعاندین» ؛ حق هم اگر چنانچه بدون پیرایه بیاید توی میدان، معاند دیگر نمیتواند حق را متهم کند به حق نبودن. بعد میفرماید: «و لیکن یؤخذ من هذا ضغث و من ذاك ضغث فیمزجان» ؛ فتنه‌گر یك تکه حق، یك تکه باطل را میگیرد، اینها را با هم مخلوط میکند، در کنار هم میگذارد ؛ «فحینئذ یشتبه الحقّ علی اولیائه» ؛ آن وقت کسانی که دنبال حقند، آنها هم برایشان امر مشتبه میشود. فتنه این است دیگر.

خوب، حالا در مقابل یك چنین پدیده‌ای، علاج چیست؟ عقل سالم حکم میکند و شرع هم همین را قاطعاً بیان میکند: علاج عبارت است از صراحت در تبیین حق، صراحت در بیان حق. وقتی شما می‌بینید یك حرکتی به بهانه‌ی انتخابات شروع میشود، بعد یك عامل «دشمن»ی در این فضای غبارآلوده وارد میدان شد، وقتی می‌بینید عامل دشمن - که حرف او، شعار او حاکی از مافی‌الضمیر اوست - آمد توی میدان، اینجا باید خط را مشخص کنید، اینجا باید مرز را روشن کنید. همه وظیفه دارند ؛ بیشتر از همه، خواص ؛ و در میان خواص، بیشتر از همه، آن کسانی که مستمعین بیشتری دارند، شنوندگان بیشتری دارند. این وظیفه است دیگر: مرزها روشن بشود و معلوم بشود که کی چی میگوید. اینجور نباشد که باطل، خودش را در لابه‌لای گرد و غبار برخاسته‌ی در میدان مخفی کند، ضربه بزند و جبهه‌ی حق نداند از کجا دارد ضربه میخورد. این است که حرف دو پهلو زدن، از خواص، مطلوب نیست. خواص باید حرف را روشن بزنند و مطلب را واضح بیان کنند. این، مخصوص یك گرایش سیاسی خاص هم نیست. در داخل نظام اسلامی، همه‌ی گرایشهائی که در مجموعه‌ی نظام قرار دارند، اینها باید صریح مشخص کنند که بالاخره آن حمایتی که مستکبرین عالم میکنند، مورد قبول است یا مورد قبول نیست. وقتی که سران استکبار، سران ظلم، اشغالگران کشورهای اسلامی، کشندگان انسانهای مظلوم در فلسطین و در عراق و افغانستان و خیلی جاهای دیگر، می‌آیند وارد میدان میشوند، حرف میزنند، موضع میگیرند، خوب، باید معلوم بشود این کسی که در نظام جمهوری اسلامی است، در مقابل این چه موضعی دارد ؛ حاضر است تبرّی بجوید، بگوید من دشمن شمایم؟ من مخالف شمایم؟

وقتی در داخل محیط فتنه، کسانی با زبانشان صریحاً اسلام و شعارهای نظام جمهوری اسلامی را نفی میکنند، با عملشان هم جمهوریت و یك انتخابات را زیر سؤال میبرند، وقتی این پدیده در جامعه ظاهر شد، انتظار از خواص این است که مرزشان را مشخص کنند، موضعشان را مشخص کنند. دوپهلو حرف زدن، کمك کردن به غبارآلودگی فضاست ؛ این کمك به رفع فتنه نیست، این کمك به شفاف‌سازی نیست. شفاف‌سازی، دشمنِ دشمن است ؛ مانع دشمن است. غبارآلودگی، کمك دشمن است. این، خودش شد یك شاخص. این یك شاخص است: کی به شفاف‌سازی کمك میکند و کی به غبارآلودگی کمك میکند. همه این را در نظر بگیرند، این را معیار قرار بدهند.

حرف آخر هم اینکه: برادران عزیز! خواهران عزیز! شما بدانید و میدانید که انقلاب اسلامی یك حقیقت است،

برخاسته‌ی از یك سنت الهی است ؛ این را نمیشود از بین برد، این را نمیشود متزلزل کرد. تا وقتی که آحاد مردم ایمان دارند، علاقه دارند، عشق دارند، اقدام میکنند، بدانند اگر همه‌ی قدرتهای عالم هم دست به دست بدهند، نخواهند توانست به این انقلاب و به این نظام و به این ملت صدمه‌ای وارد کنند. وظیفه‌هائی است، باید انجام داد ؛ گذرگاه‌هائی است، باید از آنها گذشت و عبور کرد. بعضی از این گذرگاه‌ها سخت است، بعضی آسانتر است. الحمدالله ملت ما از خیلی گذرگاه‌های سخت و دشوار عبور کرده که خیلی خیلی دشوارتر از آن چیزهائی بوده است که امروز هست، بعد از این هم خواهد بود. حضرت آقای جنتی فرمودند که ملت ایران خیالشان از فتنه‌گران راحت بشود. من به ایشان عرض میکنم که فتنه‌گر و دشمن همیشه هست ؛ امروز یك دشمن است، فردا یك دشمن دیگر است، پس‌فردا یك کس دیگر است، یك جور دیگر است. یك ملت وقتی بیدار بود، آگاه بود، عازم بود، ایمان خودش را حفظ کرد، زنده بود، رویش داشت، با همه‌ی این معارضه‌ها با آسانی - که روزبه‌روز آسانتر هم خواهد شد - ایستادگی میکند، دست و پنجه نرم میکند، بر همه‌ی این معارضه‌ها هم فائق می‌آید. ما بحمدالله امروز نشانه‌ی این رویشها را می‌بینیم ؛ این جوانهائی که توی انقلابند. و من توصیه میکنم به مجموعه‌ی دوستان که برای هرچه بهتر پیش بردن کار، از این جوانهای امروز، از این نوخاسته‌های انقلاب، رویشهای انقلاب، هرچه بیشتر استفاده کنند. خیلی از این جوانها یا انقلاب را ندیده‌اند یا در پیروزی انقلاب سنین خیلی کمی داشته‌اند ؛ اما امروز از کاری که ماها آن روز میکردیم، خیلی بهتر دارند عمل میکنند، خیلی قوی‌تر دارند عمل میکنند، هوشیارانه‌تر دارند کار میکنند. انقلاب بحمدالله برگ و بارش روزافزون است.

خداوند ان‌شاءالله همه‌ی شما را موفق و مؤید بدارد و رحمت و فضل خودش را بر روح مطهر امام امت و شهدای عزیزمان نازل کند و قلب مقدس ولی‌عصر را ان‌شاءالله از همه‌ی ما راضی و خشنود کند.

والسّلام علیکم و رحمةالله و برکاته